

شیرازی ۱۰۴/۸۸؛ قواعد جزا ۲۵۵-۲۸۲.

ف. س: الفقه الاسلامی ۵۴۳۹/۷؛ کتاب الفقه ۲۲۸/۵.

۲۲۹؛ معجم المصطلحات ۵۶۲/۱.

ح. ج: م ۱۹۸ ق. م. ۱۰.

*

فلسفه حقوق، مارک تبیت، مترجم: حسن رضایی
خاوری، دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ۱۳۸۴.

فلسفه حقوق

مارک تبیت

مترجم:

حسن رضایی خاوری

دانشگاه علوم رضوی

مشهد

۱۳۸۴

اهمیت و سودمندی کتاب فلسفه حقوق اثر «مارک تبیت»
استاد بخش فلسفه دانشگاه ریدینگ انگلستان برای دانشجویان
رشته حقوق سبب گردید شورای محترم گروه پژوهشی ترجمه
مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ترجمه آن را
تصویب کند. آقای حسن رضایی خاوری آن را عهده دار گردد و
با نظارت آقای دکتر سید مرتضی حسینی شاهرودی و ارزیابی
دکتر محمد اردبیلی به فارسی برگردانده.

فلسفه حقوق اصطلاحی شناخته شده و درباره موضوع و شیوه
آن، بحث و گفتگو بسیار شده و هنوز هم ادامه دارد. فلسفه حقوق
عموماً مسائلی را بررسی می کند که از ناحیه وجود و اجرای قوانین
مطرح می شود. از آنجا که مفاهیم جرم، خطا، قصد و مسئولیت
از مسائل محوری حقوق به شمار می آیند، فلسفه حقوق به حوزه
فلسفه اخلاق، فلسفه ذهن و فلسفه عمل ارتباط پیدا می کند و از
سوی دیگر چون حقوقدانان دغدغه مسائلی همچون ماهیت
قانون، چگونگی وضع و اجرای آن را دارند به حوزه فلسفه سیاسی
راه پیدا می کند. علم حقوق نمی تواند پرسش هایی مانند چرا
قواعد الزام آورند و همه باید از آن اطاعت کنند، ارزش این قواعد
بر چه مبنایی استوارند، این قواعد به دنبال چه هدفی هستند، معیار
تمیز قانون خوب و بد چیست و سؤال هایی مانند اینها پاسخ گوید.
رشته ای را که به این نوع پرسش ها پاسخ دهد و نظریه ای کلی در
باب حقوق ارائه دهد «فلسفه حقوق» می نامند.

این کتاب از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول این
کتاب درباره تاریخ و وضع کنونی نظریه حقوقی از نظریه حقوق
طبیعی گرفته تا نظریه پوزیتیویسم و پیدایش رئالیسم حقوقی
است.

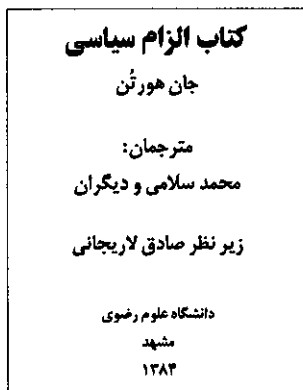
در فصل نخست، رویکردهای سنتی به فهم معنای
قانون، ناسازگاری اخلاق و قانون، چستی عدالت، عدالت و
برابری، گسترش عدالت صوری، نظریه حقوق طبیعی و
پوزیتیویسم حقوقی، و نظریه حقوق طبیعی سنتی بیان شده
است. در فصل دوم، حقوق در عصر جدید، زمینه های فلسفی
پیدای اثبات گرایی، تأثیر هیوم، انتقاد بنیاد از حقوق
عرفی، نظریه اثبات گرایی آستین و نظریه فرمان در باب
حقوق، واقع گرایی حقوقی و مکتب اصالت عمل، نظریه
حقوقی و عمل قضایی، رد قطعیت، واقع گرایی رو در روی
صورت گرایی، واقع گرایی و تشکیک در قواعد شیوه های
عملی عدالت بررسی می شود.

فصل سوم از اثبات گرایی جدید و انتقادات وارد بر آن،
اعتبار مسئله مشروعیت دولت نازی، مفهوم حقوق در نگاه
هارت، انتقاد هارت از نظریه فرمان، مفهوم نظام حقوقی از نظر
هارت، هارت و اثبات گرایی حقوقی، تعبیر سکولاریستی فولر
از حقوق طبیعی، حقوق طبیعی و سکولاریسم و نظریه تفکیک
بحث می کند. فصل چهارم به نظریه های حقوقی معاصر،
دعای مشکل و اثبات گرایی حقوقی، دیدگاه های اثباتی درباره
دعای مشکل، انسجام در نظریه حقوقی دورکین،
حقوق، اصول و سیاستگذاری، هرکور و عینیت گرایی
اخلاقی، دورکین و دعای مشکل، انتقاد از دورکین و تفکیک
اصل از قاعده می پردازد.

بخش دوم به اقتدار و گستره قانون می پردازد. این بخش
حوزه های اصلی اعتبار قانونی، الزام سیاسی و نام های مدنی را
با مباحث مراجع و ماهیت حقوق اخلاقی و قانونی و موضوعات
بحث انگیز زندگی خصوصی و اجرای اصول اخلاقی به دست
دولت ارتباط می دهد.

در فصل پنجم از اعتبار و الزام، دلایل عام تبعیت از قانون،
الزام و نظریه حقوقی، نظریه قرارداد اجتماعی، مفهوم قرار داد
اولیه، نظریه نستی قرارداد، ضعف ها و انتقادات وارد بر نظریه
قرارداد، راولز و وضع اولیه، نظر راولز درباره وظیفه و
الزام، بی عدالتی و نافرمانی مدنی، تعریف نافرمانی
مدنی، توجیه نافرمانی مدنی، نظر راولز درباره نافرمانی مدنی و
انتقاد راولز بحث می شود.

کتاب الزام سیاسی، جان هورتن، مترجمان: محمد سلامی و دیگران، زیر نظر صادق لاریجانی، دانشگاه علوم رضوی، مشهد، ۱۳۸۴.



فلسفه سیاسی عبارت است از بررسی حقیقت و توجیه نهادهای برخورداری از قدرت قهریه. به تعبیر دیگر، فلسفه سیاسی را می‌توان به بنیادهای فکری با شیوه‌ای از انتزاعی تعریف کرد که به مباحثی همچون غایت حکومت‌ها و ابزارهای آنها، اقتدار، عدالت، قدرت و ارتباط فرد و دولت می‌پردازد. یکی از عناصری که در فلسفه سیاسی مطرح است مبانی اقتدار قدرت مشروع آمده است یعنی حق حاکمیت. وقتی قدرت جنبه مشروعیت پیدا کند اقتدار خوانده می‌شود. دارنده قدرت او مشروع باشد. ولی پرسش اصلی آن است که منشأ این اقتدار چیست، چه چیزی یا چه کسی حق حاکمیت را به حاکم اعطا می‌کند، چرا اعضای آن حکومت باید از آن اطاعت کنند. فلسفه سیاسی عهده‌دار پاسخ گویی به این نوع پرسش‌هاست.

بشر در طول تاریخ، قدرت و اقتدار را بیشتر از از زاویه ناخوشایند آن دیده و آنچه در چشم انداز انسان خود را نمایانده، همان چهره زشت و ناخوشایند اقتدار است تا چهره خوشایند آن. امروزه عنصر مشروعیت در فلسفه سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی به دلیل رشد فرهنگ انسان‌ها و کاسته شدن از نقش زور در پیوندها و وابستگی‌های سیاسی، مفهومی اساسی و محوری ارزیابی می‌شود. هر نظریه‌ای که به موضوع دولت و حکومت می‌پردازد در صدد است تا برای اقتدار سیاسی توجیه و تفسیری ارائه کند، زیرا در فلسفه سیاسی، مشروعیت اقتدار جزو جدا ناپذیر نظریه سیاسی است.

مشروعیت سیاسی در نظام‌های غیر دینی می‌تواند دارای مبانی و منابع گوناگونی باشد. در این باره تاکنون دیدگاه‌های بسیاری ابراز شده است. افلاطون در مدینه فاضله، دانش و

فصل ششم به بیان مسائلی چون حقوق قانونی و اخلاقی، حقوق و شکاکیت، انتقادات بتنام به حقوق، واکنش به شکاکیت در حقوق، تقلیل ناپذیری حقوق، حقوق مطلق، حق در برابر سود، سود و حقوق در دیدگاه بتنام، نظریه دورکین در باب حقوق می‌پردازد. فصل هفتم مسائلی همچون آزادی، زندگی خصوصی و تساهل، جان استوارت میل و آزادی، انتقاد دیولین از گزارش ویلفندن، پاسخ هارت به دیولین، انتقاد دورکین از دیولین را بررسی می‌کند.

بخش سوم مشکلات فلسفی‌ای را مطرح می‌کند که در تفسیر جرم کیفری مسئولیت و مجازات وجود دارد، نظیر برخورد با مجانین و بیماران روانی و نیز مسائلی کاوشگرانه و منابعی درباره حدودی که مجرمین مسئول اعمال خود شمرده می‌شوند.

در فصل هشتم به مباحث مربوط به مسئولیت و جرم عمل آزادانه و مسئولیت، عذر یا توجیه، اضطراب و اکراه، اضطراب زندگی و مرگ، قصد و مسئولیت، قصد و انگیزه، قصد و پیش بینی، احتمال و پیش بینی پرداخته می‌شود. در فصل نهم مسائلی چون جنون و تخفیف مسئولیت، مسائل سنتی جنون بررسی می‌شود.

فصل دهم به نظریات مربوط به مجازات، مشکل توجیه، گذشته نگری در توجیه مجازات، نقد نظریات سنتی، ضعفهای کیفرگرایی، مسئله جایگاه اخلاقی، مشکلات مربوط به عقلانیت، تعدیل و توافق، کیفرگرایی شدید و ضعیف، قانون قصاص و امتیاز غیر منصفانه، توافق‌های فرجام‌گرایانه، مجازات به منزله ارتباط، رابرت نوزیک و ربط ارزش‌های واقعی، جین هامتون و وادار ساختن مجرم به شکست، سرزنش و انتقاد در دیدگاه ابزارگرایی می‌پردازد.

در پایان هر یک از فصل‌های این سه بخش، پرسش‌هایی برای مطالعه آمده است و برای مطالعه بیشتر در موضوعاتی که در آفصل به آن پرداخته شده، منابعی پیشنهاد شده است. از این پرسش‌ها می‌توان به شیوه‌های مختلف استفاده کرد. نکته اصلی این است که نوع سؤالاتی را نشان دهد که یک دانشجو باید بتواند در آن مرحله از کتاب بحث کند. ساختار این پرسش‌ها آزاد است و رعایت دقیق آن لازم نیست. پیشنهادهایی که برای مطالعه بیشتر ارائه شده‌اند بر اساس اصل تنوع آزاد در سنت انتخاب شده‌اند و با نام و تاریخ و با کتابشناسی کامل در انتهای کتاب آمده‌اند.

یعقوب خاوری